فهرست

[موضوع: تفسیر تربیتی/ مقدمات 2](#_Toc149057975)

[پیشگفتار 2](#_Toc149057976)

[یادآوری 2](#_Toc149057977)

[مراحل رشد و تربیت 2](#_Toc149057978)

[تفاوت مراحل رشد و تربیت 2](#_Toc149057979)

[اشتراک مراحل رشد و مراحل تربیت 3](#_Toc149057980)

[دو نکته در مقدمه 3](#_Toc149057981)

[اقسام اصول و روش 5](#_Toc149057982)

[اصول و روش‌های خاص مرحله 5](#_Toc149057983)

[اصول و روش‌های مشترک مرحله 6](#_Toc149057984)

[یک نکته 7](#_Toc149057985)

# موضوع: تفسیر تربیتی/ مراحل رشد در قرآن

# پیشگفتار

مطالب خیلی گذرایی در آغاز بحث به عنوان مقدمه طرح کردیم و پس از آن در تفسیر موضوعی معطوف به حوزه تربیت و خودسازی و روانشناسی تا حدی وارد شدیم و از میان موضوعات عجالتاً مراحل رشد و مراحل تربیت را به عنوان موضوعی که در آغاز قرار گرفت بررسی خواهیم کرد.

اینکه عجالتاً می‌گویم برای این است که الان یک تنظیم کلان موضوعی را اینجا مدنظر قرار ندادیم اگر به آن شکل می‌خواست بحث بشود احیاناً به گونه دیگری باز شروع می‌شد، ولی درهرحال مراحل رشد و تربیت در قرآن موضوعی است قابل تأمل و قابل توجه به این دلیل این را برگزیدیم به عنوان یکی از موضوعات مهم در تفسیر موضوعی تربیتی در قرآن.

# یادآوری

در مقدمه این مبحث نکاتی عرض کردیم، در تعریف مرحله، انواع و اقسام مراحل مربوط به انسان، آن هم چند درجه و رتبه داشت که عرض کردیم و رسیدیم به اینکه دو مفهوم رایج و جاافتاده وجود دارد که مراحل رشد و مراحل تربیت باشد، آن را هم اشاراتی کردیم و عرض کردیم این دو بر هم به صورت دو دایره مساوی بر هم انطباق ندارند بلکه مراحل رشد و مرحله تربیت میانشان عموم من وجه است، دقیق بشویم میان مراحل رشد و مراحل تربیت عموم و خصوص من وجه است ممکن است از نظر شناخت واقعیات تطوری در انسان مراحلی در رشد (در اقسام ساحت‌های رشد) تبیین کنیم، در رشد جسمی، رشد شناختی، رشد عاطفی و رشد اجتماعی و امثال اینها، ساحت‌های متعددی در انسان وجود دارد و انسان در همه آن‌ها یک تطور تعریف‌شده‌ای دارد که از یک نقطه‌ای آغاز می‌شود و به یک نقطه دیگر می‌رود و در این سیر می‌شود مراحلی را تعیین کرد با همه آن نکاتی که آن هفته عرض کردیم.

# مراحل رشد و تربیت

این در اینجا و در مراحل رشد نگاه ما به آن تطور واقعی و عینی است که در خارج تحقق پیدا می‌کند با قطع نظر از اینکه ما یک گزاره‌ای توصیفی علاوه بر این گزاره توصیفی نگاهی به توصیه داشته باشیم، با قطع نظر از این.

## تفاوت مراحل رشد و تربیت

و ممکن است بعضی از این مراحل، دو تا، سه تا از این مراحلی که از لحاظ توصیف واقعیت می‌گوییم مرحله است در این نگاه مراحل تربیت تفاوتی ندارد و اهمیتی ندارد و لذا همه آن‌ها را در تربیت چند مرحله رشد را با هم می‌بینیم. گرچه در عالم واقع و توصیف تفاوت‌های آن‌ها درست است، اینها چند مرحله است اما در مقام مراحل تربیت این‌ها مدنظر قرار نمی‌گیرد برای اینکه در تربیت نگاه به این است (در تربیت هم البته توصیف است ولی توصیفی است که به تجویز منجر می‌شود یعنی گفته می‌شود در این مقطع این اقدامات را خود شما یا متربی یا مربی انجام دهد برای اینکه به آن هدف برسد ممکن است این مراحل در این توصیه‌های تربیتی اثری نداشته باشد. از این جهت است که گاهی در مراحل رشد تقسیمی می‌آوریم یا مقاطعی را مراحل رشد می‌دانیم ولی در تربیت آن را مرحله تربیت نمی‌دانیم. پس ماده افتراقی دارد مرحله رشد از مرحله تربیت، از این طرف

## اشتراک مراحل رشد و مراحل تربیت

از آن طرف هم ممکن است در مراحل تربیت درون یک مرحله رشد که از نظر تحلیل رشد فرقی ندارد، دو سال، ده سال در مرحله رشد می‌گوید این‌طور است، ولی با توجه به اهداف و توانی که در آنجا وجود دارد توصیه‌های خاصی می‌کند متفاوت، می‌گوید در تمام این مرحله رشد که از یک ویژگی مسانخی و مشابهی برخوردار است شما دو سه برش بزن، با توجه به اینکه ظرفیت وجود دارد، من یک هدفی دارم و به آن هدف می‌خواهم برسم می‌گویم این را دو سه قطعه کن و در مرحله اول این‌طور باشد و بعد شتاب بدهید.

البته این دو ماده افتراق است در جایی که به مقاطعی به عنوان مرحله رشد می‌پردازیم درحالی‌که مرحله تربیت نمی‌نامیم و از آن طرف مراحل تربیت می‌شماریم درحالی‌که از مرحله رشد اینها را برش نزدیم.

اما موارد جمع که ماده اجتماع باشد مراحل رشد با مراحل تربیت انطباق پیدا می‌کند این خیلی وسیع است، دایره اجتماع و ماده اجتماع مراحل رشد و مراحل تربیت، دایره وسیعی است علت هم این است که بخش زیادی از توصیه‌های تربیتی با آن وضع رشد و تطور شناختی، عاطفی، اجتماعی و امثال اینها در متربی و انسان انطباق دارد و آن‌ها در این جهت مؤثر است.

از این جهت است که این دو به این شکل با هم رابطه برقرار می‌کنند درعین‌حال مراحل رشد یک مقوله شبه مستقلی است و بیشتر با روانشناسی ارتباط دارد و یک بخشی از آن هم مربوط به آناتومی و جنین و امثال اینهاست. ولی در حوزه بعد از تولد این مراحل رشد عمدتاً در روانشناسی محل بحث است اما مراحل تربیت در حوزه تعلیم و تربیت می‌آید. این دو بینشان عموم و خصوص من وجه است با تقریر گذرایی که ملاحظه کردید.

رشد نگاه کاملاً هستی‌شناسی دارد، ولی تربیت نگاه معطوف به توصیه و دستور دارد.

تا اینجا نکات را در تعریف مرحله و انواع و اقسام مرحله‌بندی و تفاوت مراحل رشد و تربیت طی این پنج شش نکته‌ای که در هفته قبل اشاره شد و امروز هم تکمله‌ای به آن خورد ملاحظه کردید.

# دو نکته در مقدمه

۱- اینکه این مراحل تربیت که گفته می‌شود یعنی غیر از مراحل تربیت یک مرحله خودسازی هم وجود دارد، چون در مراحل تربیت طبق تعریف خاص تربیت، نگاه به دگرسازی است که مربی است و متربی، شخصی کار می‌کند که دیگری را رشد بدهد و تربیت بکند، این مراحل تربیت است

اما یک مرحله دیگر هم وجود دارد که مربوط به اخلاق است مربوط به خودسازی است، کاری که من برای خودم انجام می‌دهم، آنجا مرحله خودسازی می‌شود.

بنابراین در مراحل رشد تطور انسان را (کاری به من و دیگری ندارد) بررسی می‌کند و می‌گوید این مراحل کلان دارد و هر مرحله ریز مرحله، زیر مرحله دارد، این تقسیم‌بندی‌هایی است که در روانشناسی می‌شود.

وقتی که به بحث‌های تجویزی یا منجر به تجویزی بپردازیم می‌گوییم مراحل تربیت، اینجا منظور مراحل ساختن دیگری است منتهی در کنار اینها یک مراحل خودسازی هم وجود دارد.

پس یک مراحل تربیت به معنای دگرسازی وجود دارد و یک مراحل خودسازی، یا تربیت به معنای تربیت خود وجود دارد. منتهی این مراحل تربیت غیر با مراحل تربیت خویش، حالت من وجهی می‌تواند داشته باشد، ممکن است در ساختن دیگری ما یک زاویه دیدی داشته باشیم و بگوییم این جور مرحله‌بندی بکن، برای کاری که می‌خواهی برای تربیت او انجام بدهی. اما وقتی که می‌خواهد به تربیت خود بپردازد اینجا هم ممکن است بگوییم مراحل با آن مراحلی که برای غیرسازی برش می‌زنیم و تنظیم می‌کنیم تفاوت می‌کند.

ضمن اینکه بخش زیادی مشترک است و یک قسمتی در مراحل خودسازی دیگر صدق نمی‌کند به خاطر اینکه در دوره جنین و کودکی اول و کودکی دوم تا مقاطعی خودسازی اصلاً معقول نیست امکان ندارد که بگوییم که خودش، خود را می‌سازد، به حدود کودکی چندم و نوجوانی که می‌رسد فاز او تغییر می‌کند می‌تواند برای خود معماری داشته باشد و خود را مهندسی بکند آن وقت خودسازی معنا پیدا می‌کند تا یک مراحلی با تفاوتی که در انسانها هست خودسازی خیلی معقول نیست.

مراحلی برای خودسازی ممکن است باشد، (ممکن است باید روی مصداق و مثال فکر کرد) که در ساختن خود این جور مرحله‌بندی می‌کند به دلیل اینکه خود او بر خود مسلط است می‌تواند طراحی بکند، یک مرحله متفاوت برای او تعریف بکنیم و وجود داشته باشد درحالی‌که برای تصرف از بیرون در او آن مرحله مثلاً نیست یا دو مرحله به هم نزدیک است (در مقام تصویر می‌گویم).

بنابراین اگر بگوییم مراحل تربیت (تربیت به معنای عام، اعم از خودسازی و غیرسازی) باید آن وجه مشترک را ببینیم تا هر دو صادق باشد ولی اگر دقیق بخواهیم تفکیک بکنیم مراحل غیر سازی، تربیت می‌شود مراحل خودسازی مراحل خودسازی و اخلاقی می‌شود. اینها می‌تواند یک وجوه مشترک داشته باشند و هم می‌توانند وجوه متفاوت هم داشته باشند کما اینکه در جاهایی طبق مثال‌هایی که ملاحظه کردید اصلاً خودسازی نیست فقط تربیت است، در آن آغاز، احیاناً ممکن است در نقطه پایان هم به نقاطی برسد که فقط خودسازی است دیگر از بیرون متصور نیست، یا وجود ندارد یا اثر نمی‌کند.

بنابراین بخواهیم این مجموعه بحث‌ها را اینجا نگاه کلی بکنیم می‌گوییم یک مراحل رشد داریم که نگاه تحلیل واقعی است یکی هم مراحل تربیت داریم که دگرسازی است و یکی هم مراحل خودسازی است.

این یک نکته در تکمیل نکات قبل یک نکته هم (این نکته هم از نکات واضح است ولی باز اشاره بکنیم) این است که از همین بحث‌ها می‌توانید به خوبی حدس بزنید که در مراحل تربیت که بحث می‌کنیم نتیجه‌ای که می‌گیریم در هر مرحله‌ای این اقدامات برای رسیدن به آن نتایج خوب است.

پس مراحل تربیت یا مراحل خودسازی پایه‌ای است که ما را به اصول و روش‌های خاص آن مرحله می‌رساند و لذا مراحل در تربیت و خودسازی یک پایه‌ای برای بیان اصول و روش‌های معطوف به هر دوره که متفاوت از ادوار قبل و مراحل قبل و بعد هست. این اصول و روش‌های خاص مراحل است

# اقسام اصول و روش

اما از یک منظر کلی می‌توان گفت اصول و روش‌ها به دو قسم تقسیم می‌شود

## اصول و روش‌های خاص مرحله

اصول و روش‌های عام در تربیت و خودسازی

نقش مهم مرحله آن است که آن بنیاد آن قسم خاص را تعریف می‌کند و وجه و فلسفه و استدلالات را مشخص می‌کند

بنابراین وقتی به اصول و روش‌ها در تربیت و خودسازی نگاه بکنیم باید آن‌ها را تقسیم بکنیم این هم یک نکته است، اصول و روش‌ها تقسیم به دو قسم می‌شود؛ اصول و روش‌های خاص مرحله یا بعضی یا چند مرحله و اصول و روش‌های مشترک بین کل ادوار یا غالب ادوار. این یک تقسیم کلی است در اصول و روش‌هاست.

چرا این تقسیم وجود دارد؟ برای اینکه این مراحل سه، چهار، پنج، شش، هفت را در نظر بگیریم انسان در این مراحل هم یک وجوه مشترک دارد و هم یک وجوه مختص دارد، پس تقسیم اصول و روش‌ها به اصول و روش‌های خاص مرحله‌ای یا اصول و روش‌های مشترک، این تقسیم صناعی مبتنی بر یک تقسیم صناعی پایه است و آن این است که ویژگی‌های انسان علی قسمین است

بعضی از خصائص و ویژگی‌های مشترک در همه مراحل یا اغلب این مراحل است

و بعضی از ویژگی‌ها مختص مراحل است و آن ویژگی‌ها که در توصیه تربیتی هم مؤثر است.

ویژگی‌های مؤثر در توصیه‌های تربیتی که مبنای اصل و روش است علی قسمین است؛

بعضی مشترک است نتیجه اصول و روش‌های مشترک است

بعضی از این ویژگی‌ها برای دوره کودکی و یا نوجوانی و خاص است آن مبنا برای اصول و روش‌های خاص مرحله‌ای می‌شود.

پس ویژگی‌ها و خصائص انسانی مشترک بین المراحل هست و مختص مرحله‌ای هستند و همین مبنا می‌شود برای اصول و روش‌های مشترک و اصول و روش‌های مختص.

یک نکته دیگر وجود دارد و باید مورد توجه قرار بگیرد و آن این است که در مراحل صنف و نوع را می‌بینیم، مراحل نوع تطور نوع انسان را می‌بینیم حالا از یک زاویه رشد یا تربیت و با این مراحل می‌گوییم یک امور مشترک بین المراحل است و یک امور خاص مرحله‌ای است و این دو منشأ تولید اصول و روش‌های مشترک و مختص می‌شود. اینجا نوع را به‌طورکلی می‌بینیم غیر از این می‌شود زاویه‌های دیگر و متعدد دیگر به انسان افکند

یکی زاویه دید تفاوت‌های فردی که آنجا نوع را کلی نمی‌بینیم، سراغ افراد می‌رویم، نگاه انحلالی به تک‌تک افراد داریم وقتی تک‌تک را می‌بینیم می‌گوییم یک مشابهت‌هایی دارند و یک تفاوت‌های دارند.

پس از یک منظر کلی‌تر می‌توان گفت دو نگاه در مقام تربیت یا احیاناً خودسازی به آدم‌ها و انسان‌ها افکنده می‌شود؛ یک نگاه به نوع انسان است اینجا مجموع و نوع را می‌بینیم نوع انسان این طور است که این مراحل را دارد و در این مراحل یک امور مشترکی است و یک امور مختص است

یک نگاه دیگر هم می‌شود افکند و آن افراد و آحاد را می‌شود دید، آحاد را که ببینیم آن وقت آن دو شکل و دو نگاه در آن متصور است، در رویکرد به اشخاص و آحاد و افراد، اینجا می‌گوییم آحاد، آنجا نوع را می‌دیدیم و تطور این نوع را بدون اینکه افراد را جداجدا ببینیم اما اینجا افراد و آحاد را در این رویکرد دوم می‌بینیم و می‌گوییم این افراد در جهاتی مشترک هستند ولی هر فردی جهات خاصی هم دارد آن وقت اینجا هم در تفاوت‌های فردی باب وسیعی در روانشناسی باز شده است و به تبع آن در تعلیم و تربیت باید مورد توجه قرار بگیرد.

منتهی تفاوت‌های فردی هرچقدر هم کار بشود باز ده تا، پنجاه تا تیپ تعریف می‌شود و آن وقت تیپ‌بندی می‌شود، تیپ این‌جوری، تیپ آن‌جوری.

پس این هم یک نگاه دیگری است که در تفاوت‌های فردی مطرح هست، از تفاوت‌های فردی خاص یک فرد شروع می‌شود که این آدم یک ویژگی دارد که دیگر هیچ‌کس با او مشابهت ندارد، حتماً هر آدمی این‌طوری است در عالم تکوین یک ویژگی‌هایی دارد که هیچ‌کس با او مشابهت ندارد و احیاناً یک توصیه‌های خاص او وجود دارد ولی این خیلی در محاق است، خیلی باید مشاوره‌های چیز باشند که برود در عمق مسئله ببیند ویژگی خاص برای یکی از هشت میلیارد پیدا کرده‌ام.

لذا یک مرحله بالاتر می‌آید که تفاوت فردی تیپ‌بندی می‌شود گفته می‌شود که یک تیپ آدم‌ها این‌جوری هستند، یک گروه این‌طوری هستند که این مبنای بحث‌های مشاوره می‌شود در مشاوره خیلی در این تیپ‌بندی باید توجه کرد که این در چه گروهی قرار بگیرد در گروه‌بندی‌های فراوانی که وجود دارد.

## اصول و روش‌های مشترک مرحله

یک اصولی هم وجود دارد که بین انسان‌ها مشترک است و همه انسان‌ها علی الاصول با آن‌ها متصف هستند.

سؤال: زیر ساخت این پیچیدگی چیست؟

جواب: برای اینکه هر شخصی تشخص هر فرد به یک اموری است که او را از همه کرده است، این که شخص تشخص ممتازی دارد معنایش این است که چیزهایی در او هست که در دیگران نیست و این مبنای آن می‌شود

منتهی این شخص بما هو شخص دقیق خیلی کار سختی است که در تربیت به آن توجه بشود معمولاً تیپ‌بندی می‌شود منظومه اشخاص را می‌گویند این ویژگی را دارند با آن تیپ‌بندی‌های متداول که وجود دارد.

# یک نکته

نکته دیگری که باید اینجا به آن توجه کرد این است که مراحل تربیت یا مراحل خودسازی که می‌گوییم از یک منظر دیگر دو نوع دارد.

۱- همین مراحلی است که انفکاک آن مراحل ریشه در یک تفاوت واقعی خارجی دارد و سنین و مقطع‌های این مراحل از هم جداست، این هفت سال است، آن هفت سال است، در متن واقع است و مبدأ یک اصول و روش‌هایی است

۲- اما مراحل یک معنای دیگری هم دارد و مراحلی است که گره نخورده است به مقاطع جدای سنی، بلکه مراحل خودسازی می‌گوییم، مراحل پیشرفت اخلاقی می‌گوییم، ممکن است این مراحل در این مقطع سنی اجرا بشود ممکن است در آن مقطع سنی اجرا بشود در این نوع دوم مراحل نگاهی به آن برشی سنی و عمری نداریم. این چیزی است که در اخلاق هم وجود دارد، در منازل السائرین، صد میدان، هزار میدان، این مراحل اخلاقی که کسی بخواهد طی بکند اینهاست، آنجا کار ندارد می‌گوید کار به سن ندارد از وقتی که کسی می‌تواند خودسازی بکند از ده سالگی تا هفتاد هشتاد سالگی، هر وقت بخواهد به آن نقطه مطلوب اخلاقی برسد می‌گویند این سیر را باید شما طی بکنید این مراحل باید طی بکنید.

این مراحلی که در صد میدان می‌بینید در منازل السائرین می‌بینید، عرفا خیلی به این پرداخته‌اند، این دیگر ربطی به آن مراحل عمر و سن در رشد و در تربیت ندارد، چیز دیگری است.

این یک برنامه‌ای است که طی هفتاد سال در عمر یک فرد محقق بشود و هر مقطعی می‌شود کسی آن مراحل را بگیرد و پیشرفت بکند. این مراحل سیر اخلاقی یا حتی تربیتی وجود دارد که اینجا این مراحل ربطی به آن اصطلاح اول ندارد که مراحل سن و رشد سنی و عمری است گرچه این‌ها در یک مقاطعی می‌تواند اجرا بشود، مثلاً قبل از اینکه کسی بتواند خودسازی بکند نمی‌تواند اینها را شروع بکند ولی درعین‌حال مقید به این مثلاً دهه اول و دهه سوم و دهه چهارم و دهه پنجم عمر نیست در هر یک از این دهه‌ها بر حسب استعداد هر فرد و سایر شرایط می‌تواند این نسخه و برنامه مراحل اخلاقی را انتخاب بکند و بر اساس آن خود را بسازد یا برای دیگری پیاده بکند.

بعضی از اصول و روش‌هاست که با سن گره خورده است و با آن سن می‌شود انجام داد و در سن دیگر نمی‌شود انجام داد ولی یک مراحل اخلاقی هست که از این بحث‌ها آزاد است گرچه زمینه می‌خواهد ولی آن زمینه بند این دوره و آن دوره نیست در کل عمر طرف می‌تواند این سیر را انجام بدهد.

در این مراحل خودسازی به طور ویژه هم در عرفا می‌بینیم خیلی برجسته است و در منابع و آثار عرفانی خیلی کار شده است که مهم‌ترین آن منازل السائرین است که در دسترس است و ظاهراً امام بخشی از درس‌های اخلاق ایشان در فیضیه همین بوده است و همان موجب آن اتهامات شده است، منازل السائری را ایشان متن درس اخلاقشان قرار دادند.

خیلی آن را قبول ندارند ولی در علمای اخلاق این‌جور سیری، کم و بیش وجود دارد در قرآن هم ممکن است چیزهایی را در این بحث، در مراحل اخلاقی و خودسازی اصطیاد کرد.

کتاب تزکیة النفس آقای حائری دقیقاً نسخه‌ای مقابل نسخه عرفاست، نگاهشان دقیقاً نگاه فقهی اخلاقی متعارف اجتهادی است مقابل عرفا، به نحوی هم در مقدمه آورده‌اند. در واقع می‌خواهد بگوید تزکیه نفس مراحلی دارد که منطبق با آن نیست که عرفا و دیگران گفته‌اند. اینجا آورده‌اند توبه و انابه و زهد و ورع و اخلاص و توکل و امثال اینها. تلاششان این بوده است که مرحله‌بندی بکنند در این مرحله به معنای دوم ما مراحل را به سنین و مقاطع عمری گره نزدیم بلکه یک ترتبی بین این پله‌ها دیده شده است و این می‌گوید آدم که می‌خواهد خود را بسازد باید از این نقطه شروع بکند و به آن نقطه و بعد به آن نقطه طی بکند و جلو برود. این غیر از مراحل تربیت به معنایی که ما اینجا بحث می‌کنیم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد